



مهاجرت

یکی از وقایع مهم سیاسی قرن اخیر ایران

(۴)

پنجشنبه ۱۴ شوال ۱۳۳۳ قمری = ۳ شهریور ۲۴۷۴ شاهنشاهی ۱۲۹۴ شمسی مطابق
۲۶ اوت ۱۹۱۵ میلادی

امروز مسیو شونمان (شرونمان) قنصل آلمان مقیم کرمانشاهان^۵ با چندین صد
سوار از صحنه بشهر کنگاور آمد و قنصلهای روس و انگلیس را که با ۷ نفر قزاق و ۳۰ نفر
سوار هندی در آن شهر بودند بمحاصره انداخت و چندین ساعت بطرف آنان شلیک کرد .
بدو آ حاکم کنگاور از شونمان امان خواست و بادخالت حاکم برای قنصلهای روس و
انگلیس تامین خواستند که بهمدان مراجعت کنند . شونمان تامین داد و قنصلهای روس و
انگلیس بهمدان رفتند .

اظهار نظر نگارنده : علت این اقدام فوق العاده خشن قنصل آلمان این بود که
جلوگیری از محاصره نمایندگان متحدین مرکزی (آلمان و اطریش و عثمانی) بعمل آید
زیرا راههای شمال و جنوب ایران بوسیله روسها و انگلیسها بکلی مسدود بود و اگر راه

آقای ابوالقاسم کمالزاده مدیرکل سابق اداره کل انتشارات و تبلیغات کشور و منشی
سفارت آلمان در تهران از مردان ورزیده تاریخ و سیاست معاصر.

کرمانشاهان هم بسته می‌شد تمام اتباع و سفرا و نمایندگان دول متحد مرکزی در محاصره قوای روس و انگلیس قرار می‌گرفتند و از همه مهمترین گانه سیم تلگرافیکه رابط بین عثمانی و طهران بود و آلمانیها از کرمانشاه بوسیله آن ارتباط داشتند ، بدست روسها و انگلیسها می افتاد . کما اینکه خبر فتح و رشورا در تاریخ ۷ اوت ۱۹۱۵ = ۱۵ مرداد ۱۲۹۴ شمسی آقای شویمان قنسول آلمان در کرمانشاهان با همین سیم بطهران مخابره کرد . عمل برق آسای شویمان قنسول آلمان در کنگاور و برگرداندن قنسولهای روس و انگلیس برای جلوگیری از انسداد راه همدان و کرمانشاه بود سیم تلگراف بین سرحد عثمانی و غرب ایران تا یکسال و چندماه بعد از این تاریخ باز و مورد استفاده بود .

وضعیت ایران در مرداد ماه ۲۴۷۴ شاهنشاهی ۱۲۹۴ شمسی

در این ماه ، اقدامات جدیدیلهلماتهای متفقین (روس و انگلیس و فرانسه) از یک عملیات متحدین مرکزی (آلمان و اطریش و عثمانی) از سوئی دیگر ، در مملکت ایر خود را بیطرف معرفی کرده بود ، بعد اعلامی شدت رسید . روسها پیوسته از بندر ا (بندر پهلوی) سالدات روس و انگلیسها در بندر بوشهر قشون پیاده میگردند و قسمتی بندر را تصرف کرده بودند بر روی تمبر پست ایران سورشارژ (سورشارژ) بخطلا . (آندر بیرتیش اکوپاشن) زده بودند ، یعنی تحت تصرف انگلیس . آلمانها با استخدام و جمع آوری سوار مسلح شروع کردند و قوای ژاندارم ایران بآلمانها علاقه فراوان نشان میداد . لشکریان عثمانی در آذربایجان غربی و کرمانشاهان مسلحانه تجاوز میکردند گرچه سران ایل سنجابی ، مامور حفاظت سرحد ، آنان را عقب راندند ولی روسها و انگلیسها در آن حدود قوه و قدرتی نداشتند . از همه مهمترین بروی کار آمدن هیئت دولتی بود که مردم ایران آن را صددرصد طرفدار متحدین مرکزی (آلمان و اطریش و عثمانی) میدانستند بعلاوه سفیر آلمان (پونس رويس) با اعلیحضرت شاه و وزراء ملاقاتهای خصوصی داشت و همه اینها بر این دلالت میکرد که برای عقد قرارداد بین آلمان و ایران مذاکراتی محرمانه جریان دارد . این موضوع در تمام شهر نقل محافل بود و انجام آن را نزدیک میدانستند . قنسولهای طرفین (متحدین مرکزی و متفقین) در سراسر ایران ، هر یک بر له خود و علیه دیگری تبلیغ میکردند و وضع عادی مملکت را بکلی منقلب کرده بودند . در مجلس شورای ملی ، نمایندگان منتسب بحزب دموکرات و یک قسمت از حزب اعتدالیون از سیاست آلمانها طرفداری میکردند . بخصوص که گاهی اوقات جرائد روس و انگلیس ، گاه بگاه ، در باب اجرای قرارداد ۱۹۰۷ میلادی اشاراتی داشت که بیش از پیش افکار عمومی ایرانیان رامتشنج میکرد و علیه سیاست روس و انگلیس بر میانگیخت شرح زیر یک قسمت از مقاله مجله شرق نزدیک انگلیسی مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۵ مطابق ۱۸ شهریور (سنبله) ۲۴۷۴

شاهنشاهی = ۱۲۹۴ شمسی = ۲۹ شوال ۱۳۳۳ قمری است که با مطالعه آن نظرات دیپلماسی انگلیس بخوبی بر ملامت میشود :

«دسائس آلمان در ایران هشت سال قبل ، بریطانیای کبیر و روسیه خود و تمام عالم را متذکر و خاطر نشان ساختند که نظر بمتافع و علاقه که در ایران دارند حفظ سعادت آن مملکت را از وظائف و مسئولیتهای درجه اول خود میدانند و نخواهند گذارد دولت دیگری در خزائن ایران مداخله نماید در جنگی که مابین دولتین مشارالیه و آلمان و عثمانی واقع شده ایران علاقه مستقیمی نداشت و هیچ جهتی نمیتوان تصور کرد که ایران با عثمانی دارای رویه دوستانه باشد . در صورتیکه عثمانی همواره برای ایران مانند خار پهلو بوده بلکه تمام اعلانات مشعر این معنی بود که کشور عجم بیطرفی خود را با تمایل بسمت انگلستان و روس که حفظ منافع وی را وظیفه خود ساخته بودند اعلام نماید . لیکن فی الجمله نظری در وضعیت امروزه ایران معلوم میدارد که آلمان و عثمانی برای توجهات ایران و تشکیل وضعیات آن مملکت موافق میل خود فقط لازم بود که يك انگشت کوچکی بکار برده باندک مجاهدت و کوششی بمقصود خود نائل گردند . منافع انگلیس و روس و هم منافع خود ایران چنین اقتضا میکرد که در عرض جنگ بین المللی هیچ چیز صلح و آرامش ایران را متزلزل نسازد . لیکن حالا مطالب برعکس است و سرتاسر مملکت میدان تاخت و تاز سرکشان و متمردان واقع شده است . قشون ترک یا کرد در گوشه شمال غربی ایران آتش بیداد بر افروخته و با همه این احوال خود را ناجی و آزاد کننده ایرانیان قلم داده اند . ایلات و طوائف شمشیر انتقام بر روی ژاندارمری آخته و در بعضی از محال تلفات بسیار بآنها وارد آورده اند . بندر معتبر خلیج فارس را تهدید کرده صاحب منصبان انگلیسی را بقتل رسانده و بریک ژنرال قنصل انگلیس حمله کرده اند و بالجمله بدون اعلان جنگ ، وضعیات ایران باندازه نامناسب با منافع خود و منافع دولتین است که فوق آن متصور نیست . البته حدوث این وضعیات را باید با تتریک های آلمانی نسبت داد که از نقطه نظر آنها بر دیپلماسی انگلیس و روس غلبه کرده اند . اگر وضع رفتار و رویه دولتین انگلیس و روس با ایران مطابق روح معاهده ۱۹۰۷ باقی مانده بود آلمانها هرگز نمی توانستند که دوستی هشت ساله ایران را با دولتین همجوار خود در کمتر از هشت ماه بهم زنند حقیقت امر اینکه با وجود يك معاهده و اتفاق تاریخی مابین انگلیس و ایران ، رویه دیپلماسی انگلیس چنین نتیجه بخشیده است که هم دولت و هم ملت ، با وی بیگانه شده اند . بطوریکه فقط چند نفر آلمانی با بار و بقیچه خود آمده بر متصدیان مشاغل دولتی و ایلات و طوائف ، از انگلیسها و تمام اظهاراتشان بیشتر نفوذ بخرج داده اند . باید بیم داشت که وضعیات ایران از این بدتر خواهد شد . این مسئله که آیا دولتین روس و انگلیس قادر خواهند بود دولت ایران را مطمئن سازند که مسئولیت خود را انجام خواهند داد یا خیر ؟ برور زمان معلوم خواهد شد

لیکن فرخام در آن مقام برآیند باشکالات برخواهند خورد. ایرانیها باین عقیده خود که معاهده روس وانگلیس برای تجزیه ایران بوده این عقیده را هم اضافه کرده اند که روسیه شکست خواهد یافت. عقیده مزبور از حوادث آذربایجان و وقایع اروپا تولید شده است.

جیب اغلب رجال ایران را آلمانها پر کرده و یک مذهبی در میان آنها تولید شده و حتی بسیاری بفرافتناده اند که حالا آن ساعتی رسیده است که ایران ضربتی زده خود را از رقیبت روس وانگلیس آزاد سازد. ایرانیها نظریات خود را در خصوص جنگ از منابع آلمانی اخذ میکنند ولی عقیده آنها در صحت داشتن این اخبار و عدم صحت اخبار واصله از دولت غیر معتمدشان ثابت است. واضح است که وقوع همه چیز ممکن خواهد بود از قرار معلوم بعضی اقدامات احتیاطیه تا بحال بعمل آمده است. اقدام ثانی باید این باشد که دیپلماسی انگلیس و روس در ایران تفوق و حاکمیت پیدا کند. تازمانیکه بریطانیای کبیر نظر اطمینان دولت ایران را جلب ننماید، در آن مملکت امنیت و وثیقه نخواهد بود که دولت انگلستان عملیات خود را در آنجا وسعت دهد.

اظهار عقیده نگارنده: با ملاحظه ودقت کامل در مندرجات مجله شرق نزدیک بر خواننده ثابت میشود که گردانندگان سیاست دولت بریطانیای کبیر، قرارداد مورخ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ روس وانگلیس را که بر اثر مذاکرات محرمانه آنها در شهر بلمرال (بل مرال) انگلستان در سن پترزبورگ برای اضمحلال استقلال و تمامیت ارضی ایران تنظیم و امضا شده بود، با کمال دلسوزی برای ایران نافع میدانستند و از اینکه ایرانیان برای نجات خود از قید اسارت روس وانگلیس بدولت ثالثی (آلمان) اظهار تمایل کرده است اشک تمساح میریختند و اجرای نقشه های خشن تری را پیشنهاد میکرد.

چهارشنبه ۲۰ شوال ۱۳۳۳ قمری = ۹ سنبله ۱۲۹۴ شمسی ۲۴۷۴ شاهنشاهی مطابق اول سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی

در جلسه امروز مجلس شورای ملی آقای مستوفی الممالک، آقای محمدولی خان سپهدار اعظم را بسمت وزیر جنگ معرفی کرد

پنجشنبه ۲۱ شوال ۱۳۳۳ قمری = ۱۰ سنبله ۱۲۹۴ شمسی ۲۴۷۴ شاهنشاهی مطابق ۲ سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی

بقنسول انگلیس، مستر گرایهم (گرای هم) در اصفهان که با یک نفر سوار هندی از گردش مراجعت میکرد سو عقصد شد و دو تیر با او اصابت کرد. سوار هندی بر اثر اصابت گلوله کشته شد

سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۳۳۳ قمری = ۱۵ سنبله (شهریور) ۲۴۷۴ شاهنشاهی = ۱۲۹۴ شمسی = ۷ سپتامبر ۱۹۱۵

غلامعلی نواب ، ویس قنسول انگلیس در شیراز بضرر گلوله شخصی مجهول مجروح گردید .

چهارشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۳۳ قمری = ۱۶ شهریور ۲۴۷۴ شاهنشاهی (۱۲۹۴ شمسی) مطابق ۸ سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی

امروز طهران روز آشفته‌ای را گذراند . ملاقاتهای مهم سیاسی دیپلماتهای خارجی با مقامات بسیار عالی مملکتی باعث گفتگوهای بازاری بسیار گردید . اول درجه پذیرفته شدن پرنس رویس سنیر آلمان بطور خصوصی ، بدون حضور شخص ثالث ، بحضور سلطان احمد شاه مذاکرات محرمانه آن دو یکساعت بطول انجامید . دوم رفتن آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء بسنارت عثمانی وملاقات ومذاکره با عاصم بیک سفیر کبیر عثمانی .

سوم - نیمساعت بعد از ظهر ، مستر مارلینگ (مارلی‌ن‌گ) سفیر انگلیس با آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء ملاقات کرد . در میان این مذاکرات اعلیحضرت شاه آقای مستوفی الممالک را احضار کردند ایشان پس از مذاکرات کوتاهی باشاه بازگشت وباسفیر انگلیس مجدداً بمذاکره پرداخت این ملاقاتها موجب شد که در محیط طهران و مخصوصاً بازار اخباری فوق العاده بد منتشر شود . من جمله گفته می‌شد که انگلیسها سباست بسیار خشن در پیش گرفته‌اند و روسها توانسته‌اند نقشه خود را دایر بباز گردانیدن محمدعلی شاه از روسیه بایران ، بانگلیسها بقبولانند . بیشتر این انتشارات از ناحیه طرفداران روسها وانگلیسها برضد دولت مستوفی الممالک بود تا ایشان را باستعفا مجبور نمایند . حتی انتشار دادند اتباع انگلیس از اصفهان بطهران حرکت خواهند کرد ونیز گفته شد قنسولهای روس وانگلیسی از اصفهان بیرون خواهند رفت . در طهران اولین بار انتشار یافت که سفرای متفقین یعنی روس وانگلیس می‌خواهند بقزوین بروند و قوای خود را از آنجا بطهران بفرستند معروف است دوشب قبل ، روسها دوهزار نفر سالدات دربند رانزلی (پهلوی) پیاده کرده‌اند و در همان شب سربازان روسی در حالت مستی و بیخودی باهالی صدمه زیاد زدند . دولت ایران در آن محل فاقد هر نوع قوای نظامی بود و آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء باصفهان تلگراف کرد عده‌ای سوار بختیاری بطهران بیایند ولی بواسطه فقدان پول در صندوق مالیه اجرای این دستور بتعویق افتاد .

مانده دارد